

مقایسه جایگاه ایران با کشورهای منطقه غرب آسیا از جهت مشارکت در حکمرانی اقتصادی بین‌المللی

نویسندگان: علی مروی سماورچی^۱، صادق بختیاری^۲، همایون رنجبر^۳، سعید دایی کریم زاده^۴

تاریخ دریافت: ۹۵/۴/۱۱

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۵/۶/۱۶

فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال نوزدهم، شماره ۷۲، پاییز ۱۳۹۵

چکیده

منظور از حکمرانی اقتصادی بین‌الملل مجموعه‌ای از روش‌های متنوع فردی و نهادی، عمومی و خصوصی است که منافع و انگیزه‌های متضاد و متنوع را با هم جمع و سازگار کرده و یک اقدام مشارکتی اتفاق می‌افتد. حاکمیت جهانی شامل نهادها و رژیم‌های رسمی و ترتیبات غیررسمی است که کشورهای مختلف از طریق آن‌ها منافع خود را دنبال می‌کنند. پنج گروه بازیگر اصلی در حوزه حکمرانی اقتصادی جهانی شامل دولت-ملتها، شرکت‌های چندملیتی، نهادهای رسمی اقتصاد جهانی، نهادهای منطقه‌ای و غیررسمی اقتصاد جهانی و در نهایت مردم و سازمان‌های مردم‌نهاد قابل شناسایی است. این پژوهش درصدد ارائه پاسخ به این سؤال است که جمهوری اسلامی ایران در مقایسه با سایر کشورهای منطقه غرب آسیا در مشارکت در فرآیند حکمرانی اقتصاد بین‌المللی چه جایگاهی دارد؟ این پژوهش تلاش کرده است که مفهوم کیفی حکمرانی اقتصادی بین‌المللی را با استفاده از مدل‌های تصمیم‌گیری چندمتغیره (MCDM) و فرآیند تحلیل سلسله مراتبی (AHP) در فضای فازی (توأم با عدم اطمینان)، کمی و سنجش پذیر نماید. بدین منظور با روش تحلیل سلسله مراتبی فازی و با شناسایی ۳۲ معیار و زیرمعیار وزن‌های نسبی هر یک مشخص و پس از مشخص شدن مقادیر، عدد متناظر با نقش‌آفرینی هر کشور در حکمرانی اقتصادی بین‌المللی به دست می‌آید. بر اساس این رتبه‌بندی، حکمرانی اقتصادی بین‌المللی در منطقه غرب آسیا کاملاً مشارکتی است و هیچ کشوری به‌تنهایی سهم قابل توجه و جایگاه رهبری اقتصادی را به خود اختصاص نداده است. در رقابت بین کشورها، کشور عربستان سعودی در منطقه بالاترین رتبه را در بهره‌گیری از بازیگران حکمرانی اقتصادی داشته و در نتیجه بیشترین نقش را در حکمرانی اقتصادی ایفا کرده است. جمهوری اسلامی ایران نیز در این رتبه کاملاً در میانه جدول قرار گرفته است و رتبه هشتم را به خود اختصاص داده است.

واژگان کلیدی: اقتصاد سیاسی بین‌الملل، حکمرانی اقتصادی بین‌المللی، تحلیل سلسله مراتبی فازی، شرکت‌های چندملیتی، سازمان‌های منطقه‌ای، سازمان‌های مردم‌نهاد

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان ali.marvis@gmail.com

۲. دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان bakhtiari_sadegh@yahoo.com

۳. دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان homayounr38@gmail.com

۴. دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان saeedkarimzade@yahoo.com

۱- مقدمه و بیان مسئله

از لحاظ تئوریک تأمین کالاهای عمومی جهانی و تضاد با بازار و دولت‌ها در اقتصاد جهانی شده، لزوم وجود حکمرانی جهانی را تأیید می‌کند. ریچارد کوپر در کتاب خود با عنوان اقتصاد وابستگی متقابل در سال ۱۹۶۸ استدلال می‌کند: مهم‌ترین مشکل اقتصاد بین‌المللی پس از جنگ جهانی دوم، تضاد رو به رشد میان یکپارچگی جهان بر اثر نیروهای اقتصادی و فناوری و تداوم تمایز سیاسی در بین کشورهاست. در آن کتاب کوپر راه‌حل مطلوب برای مقابله با تضاد میان نیروی مقاومت‌ناپذیر اقتصاد و مخالفت انعطاف‌ناپذیر سیاست را حکمرانی بین‌المللی اقتصاد می‌داند. البته خود او نیز تردید داشت که دولت/ملت‌ها برای ایجاد اقتصاد جهانی کارآمد حاضر به دست کشیدن از حاکمیت ملی و استقلال سیاسی و اقتصادی خود باشند.

جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یکی از مؤثرترین کشورها در حوزه سیاست بین‌الملل، نیازمند حضور مؤثر در حکمرانی اقتصادی بین‌المللی نیز می‌باشد. برای رسیدن به این جایگاه باید مؤلفه‌های حکمرانی اقتصادی را شناخت و در جهت تقویت این مؤلفه‌ها در اقتصاد کشور کوشید.

پژوهش حاضر با توجه به اهمیت حکمرانی اقتصادی بین‌المللی تلاش کرده است مؤلفه‌های توضیح‌دهنده این موضوع را تبیین، وزن دهی و در گام آخر شاخص‌سازی نماید. این اقدام به سیاست‌گذاران کمک می‌کند که بتوانند در برنامه‌ریزی‌های خود دقیق‌تر عمل نمایند.

مسئله اصلی این پژوهش پس از تعریف بازیگران و تعیین وزن آن‌ها در حکمرانی اقتصادی بین‌المللی، تعیین جایگاه ایران در کنار رقبای منطقه‌ای خود در مدیریت اقتصادی منطقه غرب آسیا است. منطقه غرب آسیا به‌عنوان شاهراه ارتباطی شرق و غرب و قطب انرژی از اهمیت بسیار زیادی در اقتصاد جهانی برخوردار است و کشورهای منطقه‌ای و حتی فرامنطقه‌ای تلاش می‌کنند جریان اقتصادی این منطقه را در کنترل خود داشته باشند. از این رو مشخص کردن سهم کشورها در حکمرانی اقتصادی این منطقه از اهمیت بالایی برخوردار است. علاوه بر این، افق ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی ایران نیز با هدف رسیدن ایران به رتبه اول اقتصادی منطقه طراحی شده است که به‌نوعی بیانگر حکمرانی اقتصادی بین‌المللی است. این هدف‌گذاری نشان می‌دهد که در سطوح عالی نظام مدیریت اقتصادی منطقه مورد توجه بوده که پژوهش حاضر می‌تواند کمک مؤثری به سیاست‌گذاری‌ها در این راستا نماید.

مقاله پیش رو ابتدا به توضیح مفهوم حکمرانی اقتصادی بین‌المللی می‌پردازد و سپس



با مرور روش تحلیل سلسله مراتبی فازی نتایج اجرای این روش و پالایش دیدگاه بیست تن از نخبگان اقتصادی و سیاسی کشور را در تعیین وزن هر یک از معیارها و زیرمعیارها ارائه می‌کند. در نهایت بر اساس اوزان به دست آمده جایگاه هر کشور را تعیین می‌کند.

۲- ادبیات نظری و پیشینه موضوع

۲-۱- ادبیات اقتصاد سیاسی بین‌الملل

تئودرواچ کوهن^۱ در کتاب اقتصاد سیاسی جهانی، اقتصاد سیاسی بین‌الملل را به‌عنوان رشته‌ای پژوهشی که بین حوزه‌های سیاست و اقتصاد پل میزند و به تعامل «دولت» و «بازار» می‌پردازد، معرفی می‌کند. در این تعریف دولت به پیگیری سیاسی قدرت و بازار به پیگیری اقتصادی ثروت مشغول است (کوهن، ۱۳۹۲، ص ۳۱). درعین حال دولت نگرانی‌هایی درباره انباشت ثروت دارد و بازار نیز به‌طور کلی جدا از ملاحظات قدرت نیست. واقعیت آن است که تنش ذاتی بین دولت و بازار وجود دارد و همین تنش در سطح تعاملات بین‌المللی مبنای ظهور و بروز اقتصاد سیاسی بین‌المللی است. درحالی‌که دولت‌ها برای حفظ جایگاه خود به دنبال اعمال حاکمیت و اتحاد ملی هستند؛ بازار در پی آزادسازی اقتصادی و عبور از مرزهای جغرافیایی و رفع موانع دولت است. تعامل و کنش متقابل این دو در عرصه‌های مختلف با نتایج متفاوتی همراه است. علاوه بر این هر دو نهاد برای پیشبرد اهداف خود از برنامه‌های مکمل نیز استفاده می‌کنند. نهادهای بین‌المللی بازیگران جدید این تعامل هستند و غالباً نوعی راه‌حل سوم را پیش روی این تعارضات قرار می‌دهند. اغلب رابطه نزدیکی بین ثروت و اندازه بازار در یک دولت و قدرت سیاسی و نظامی آن وجود دارد (کوهن، ۱۳۹۲، ص ۳۲). اقتصاد سیاسی بین‌الملل به‌عنوان یک گرایش جدید در علم اقتصاد موضوعات را با واقع‌بینی بیشتر و بازیگران متنوع‌تری تحلیل و بررسی می‌کنند.

در حوزه مدیریت اقتصاد جهانی پنج دیدگاه اصلی که به ترتیب از دولت محوری به سمت عبور از دولت‌ها حرکت کرده‌اند، به‌جمال عبارت‌اند از:

نظریه قدرت‌های هژمونیک: نظریه ثبات قدرت برتر یا هژمون بیان می‌کند که سیستم اقتصاد بین‌المللی زمانی که یک قدرت مسلط یا دولت مسلط داشته باشد با ثبات خواهد بود. دیدگاه‌های اجتماعی‌تر این نظریه حتی جامعه مدنی را به رسمیت می‌شناسد اما در چارچوب تضمین‌کننده جنبه‌های اجتماعی قدرت هژمونیک.

نظریه نهادگرایی نئولیبرال^۲: این نظریه معتقد است دولت‌ها با ایجاد نهادهای

1. Theodore H. Cohn

2. Neo Liberal Institutional



بین‌المللی تلاش می‌کنند مسائلی را که به‌تنهایی قادر به حل آن نیستند، را مدیریت کنند. ویژگی مهم این دیدگاه دولت پایه بودن نهادهای جهانی است. به‌عبارت‌دیگر نهادگرایان نئولیبرال تنها آن دسته از نهادهای بین‌المللی را مؤثر می‌دانند که با حضور دولت‌ها ایجاد شده است.

نظریه رژیم: با افزایش وابستگی متقابل، دولت‌ها تعدادی اصول و رویه‌ها و مقررات جهت تنظیم رفتارهای یکدیگر را پی‌ریزی می‌نمایند؛ بنابراین رژیم‌ها عبارات انداز مجموعه اصول، رویه‌ها و قواعد تصمیم‌گیری ضمنی یا صریح که انتظارات فعالان در زمینه‌ای از روابط بین‌المللی را حول چنین محورهایی هم‌گرا نموده است (کوهن، ۱۳۹۲، ص ۱۷۸).
نظریه فراحکومت‌گرایی: این رویکرد بر تداوم نقش‌آفرینی دولت‌ها در عرصه بین‌المللی تأکید دارد. فراحکومت‌گرایان کارکردهای حکمرانی دولت را تقسیم‌پذیر دانسته و معتقدند باید این کارکردها را بین نهادهای بین‌حکومتی^۱ یا شبکه‌های فعال در موضوعات سیاسی خاص واگذار کرد (اسلوتر^۲، ۲۰۰۴، ۳۶). از نظر فراحکومت‌گرایان دنیای امروز بیش‌ازپیش پیچیده و درهم‌تنیده شده است و مدیریت آن نیازمند وجود شبکه‌های ملی از کارشناسان فنی و مدیران تجاری و حقوق‌دانان است.

پسادولت یا قرون وسطی‌گرایی جدید: بنا بر فرضیه نظریه دوران پسادولت یا به تعبیر گیلپین قرون وسطی‌گرایی جدید^۳، جهان در حال تجربه پایان عصر حاکمیت ملی است. (بل^۴، ۱۹۷۷). پسادولت‌گرایان معتقدند مفهوم حاکمیت ملی و هم‌زمان با ظهور بازیگران غیردولتی و فراملی، مانند شرکت‌های چندملیتی، سازمان‌های بین‌المللی و به‌ویژه سازمان‌های غیردولتی تحت تأثیر این کنشگران به حاشیه‌رانده می‌شوند (کراسنر^۵، ۱۹۹۹). این تحول به‌نوبه خود منجر به ظهور روش‌های همکاری حل مسئله با مشارکت افراد و گروه‌های مرتبط با مسائل، از بخش‌های مختلف جهان می‌شود (گیلپین، ۱۳۸۷، ص ۴۸۷)

۲-۲- تعریف حکمرانی اقتصادی جهانی

حکمرانی جهانی اقتصاد از جمله مفاهیم است که به همراه مفهوم جهانی‌شدن وارد

1. Intergovernmentend Bodies
2. Slaughter

۳. گیلپین از دو جهت دوران بدون دولت‌های محلی را قرون وسطی‌گرایی جدید می‌نامد. از نظر او دوران قرون وسطی که تقریباً از قرن پنجم تا پانزدهم ادامه داشت دارای یک آریستوکراسی مشترک از ایده‌ها و هنجارها و ارزش‌های واحد مورد پذیرش تمام اروپا بود. ساختار فئودالیسم کلیسا و حاکمان در تمام اروپا وجود داشت و تقریباً اروپا یک واحد اجتماعی یک‌پارچه بشمار می‌رفت. همچنین ویژگی دیگری در این دوره تمرکز پراکنده و شکننده قدرت اقتصادی و سیاسی بود؛ بنابراین از نظر گیلپین، دوران جدید نوعی قرون وسطی بشمار می‌رود.

4. Bull
5. Krasner



ادبیات اقتصادی و روابط بین‌المللی شده است. هنگامی که از حکمرانی جهانی سخن گفته می‌شود این پیش‌فرض را پذیرفته است که جوامع در یک فضای جهانی شده قرار دارند. برای این مفهوم تعاریف زیادی ارائه شده است که به اختصار در زیر مرور شده‌اند.

میشل بارنت^۱ (۲۰۰۵) معتقد است افزایش ارتباط بین دولت‌ها و ملت‌ها نیاز به حکمرانی و قاعده‌سازی در سطح جهانی را به جود می‌آورد. بر این اساس دولت‌ها و ملت‌ها فقط با حکمرانی جهانی و در یک فضای عاری از خشونت و افزایش منافع و ارزش‌های مشترک قادر خواهند بود تا در زمینه‌های اقتصادی، محیط‌زیست، امنیت و سیاست حل و فصل مناقشات فعال و مؤثر باشند.

میهایلی سیمای^۲ (۱۹۹۴) حکمرانی جهانی را چنین تعریف می‌کند: بهره‌مندی از راه‌های متفاوت و پیچیده‌ای که از طریق آن‌ها بازیگران ملی و بین‌المللی به فهم و ارائه راه‌حل برای مسائل می‌رسند که باید به‌طور دسته‌جمعی حل شوند تا به اهداف خود دست یابند.

دانشگاه واترلو در معرفی دوره دکتری خود در زمینه حکمرانی جهانی این مفهوم را چنین تعریف می‌کند: حکمرانی جهانی طیفی از بازیگران، نهادها، ایده‌ها، قوانین و فرآیندهایی را که با مدیریت جامعه جهانی همکاری می‌کنند، بررسی می‌نماید و ریشه‌ها، نقش‌ها، نتایج سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و اخلاقی آن‌ها را بررسی می‌کند. حکمرانی فقط به سازمان‌های بین‌المللی و تبادلات بین‌الدولی متمرکز نمی‌شوند بلکه بازیگران غیردولتی، شبکه‌های رسمی و واقعیت‌های فراملی، ملی و فرو ملی نیز به‌طور فزاینده‌ای در برقراری قوانین جهانی، هنجارها و نهادها همکاری می‌کنند.

جیمز روز تا فهم خود از حکمرانی جهانی را چنین تعریف می‌کند: سیستم‌های اعمال حاکمیت در کلیه سطوح و فعالیت‌های انسانی از خانواده تا سازمان‌های بین‌المللی که در آن پیگیر هدف‌ها از طریق اعمال کنترل انعکاس فراملی دارد. کاربرد وسیع مفهوم حکمرانی نباید به سیستم ملی و بین‌المللی محدود شود بلکه باید در روابط با حکومت‌های منطقه‌ای، استانی و محلی و همین‌طور دیگر سیستم‌های اجتماعی فاقد سیستم‌های آموزشی و نظامی تا شرکت‌های خصوصی و حتی خرده سیستم‌های مانند خانواده استفاده شود.

لارنس فینکل اشتاین^۳ (۱۹۹۵) حکمرانی جهانی را چنین تعیین می‌کند: حکمرانی جهانی حکمرانی بدون وجود اقتدار مسلط در روابطی است که از مرزهای ملی فراتر می‌رود. حکمرانی جهانی همان کاری را در سطح بین‌المللی انجام می‌دهد که حکومت‌ها در کشور خود انجام می‌دهند.

1. Michael Barnet

2. Mihaly Simai

3. Lawrence Finkelstein



توماس جی ویز^۱ نیز در تعریف خود از حکمرانی جهانی می‌گوید: حکمرانی جهانی کوشش‌های دست‌جمعی برای مشخص کردن، فهمیدن یا برخورد کردن با مسائل جهان است که از ظرفیت کشورها فراتر است و به تنهایی نمی‌توانستند آن‌ها را حل کنند. ابزار دست‌یابی به حکمرانی جهانی هم‌چنین شامل فعالیت‌های سازمان ملل و دیگر سازمان‌های بین‌دولتی و ترتیبات همکاری پایدار بین دولت‌ها می‌شود.

سازمان امنیت ملی آمریکا در گزارش بررسی حکمرانی جهانی در سال ۲۰۲۵ این مفهوم را چنین تعریف می‌کند: مدیریت اشتراکی مشکلات عمومی در سطح بین‌المللی. (گزارش سازمان امنیت ملی آمریکا، ۲۰۱۰)

حکمرانی جهانی نتایج فرآیند جهانی شدن است که به تعبیری حکمرانی بدون حکومت مرکزی واحد و مستقل امور جهانی است. حکمرانی جهانی سه ویژگی دارد:

- افزایش روش‌های تصمیم‌گیری و نهادسازی بین‌المللی در زمینه‌های مختلف فنی و اجرایی
- سازوکار تحمیل مقررات بین‌المللی
- نقش آفرینی فزاینده بازیگران دولتی و غیردولتی (نوروت^۲، ۲۰۰۴)

مجموعه‌ای از نهادهای رسمی و غیررسمی، مکانیسم‌ها، روابط و فرآیندها درون و میان حکومت‌ها، بازارها، شهروندان و سازمان‌ها اعم از دولتی و غیردولتی که منافع و انگیزه‌های جمعی در سطح جهان را بیان نموده، حقوق و اختیارات معین شده و تفاوت‌ها را مدنظر داشته باشد. (ویز و تاکور^۳، ۲۰۱۰)

تعریف کمیسیون حکمرانی جهانی این مفهوم عبارت است از: حاکمیت مجموعه‌ای از روش‌های متنوع فردی و نهادی، عمومی و خصوصی است که خواسته‌ها و پیشنهادها را متداول خود را مدیریت می‌کنند. این عمل یک فرآیند مداوم است که منافع و انگیزه‌های متضاد و متنوع را با هم جمع و سازگار کرده و یک اقدام مشارکتی اتفاق می‌افتد. حاکمیت جهانی شامل نهادها و رژیم‌های رسمی برای تحقق اجماع نظر است، هم‌چنانکه دربرگیرنده ترتیبات غیررسمی است که افراد یا با آن‌ها موافق‌اند یا از طریق آن‌ها منافع خود را دنبال می‌کنند. (کمیسیون حکمرانی جهانی^۴، ۱۹۹۵، ص ۴)

کوپر^۵ نیز حکمرانی جهانی را چنین تعریف می‌کند: سازوکار حکمرانی بین‌المللی برای بر عهده گرفتن برخی از مشکلات خصوصاً فراهم کردن کالاهای عمومی و حل مشکلات

1. Tomas G. Weiss
 2. Nowrot
 3. Thomas G. Weiss and Ramesh Thakur
 4. Commission on Global Governance
 5. Cooper



ناشی از ناکامی بازار ضروری است. حکمرانی بین‌المللی اقتصاد جهانی باید شامل حفظ حاکمیت قانون، تضمین ثبات پولی و مالی، تدوین استانداردها و مقررات مشترک تجاری، مدیریت حمل‌ونقل و ارتباطات جهانی و حل مشکل محیط‌زیست شود. (کوپر، ۱۹۶۸) کوهن مدیریت اقتصادی جهانی را ایجاد تریبانی برای تحقق اهداف اقتصاد نو کلاسیک در نظام‌های اقتصادی جهانی می‌داند. او حکمرانی اقتصادی را ایجاد سازمان‌های اقتصادی جهانی و نیز گروه‌های منطقه‌ای از کشورهای قدرتمند اقتصادی می‌داند که در پی حذف موانع برای تحقق اصول و راهبردهای اقتصاد نو کلاسیک در جهانی یکپارچه هستند. (کوهن، ۱۳۹۲، ص ۵۷)

ماچلا و ویور^۱ حکمرانی اقتصاد جهانی را چنین تعریف می‌کنند: ساختار مبتنی بر قواعد بین‌المللی که در آن بازیگران اقتصادی (اعم از دولت‌ها، بنگاه‌ها، نهادهای رسمی و گروه‌های سازمان‌یافته) در پی حل مشکلات همگانی هستند و در ضمن تضمین‌کننده هماهنگی‌های فرامرزی و همکاری‌های جهانی در حوزه تهیه و تبادل کالاها، پول، خدمات، توان فنی در چارچوب موضوعات اقتصادی جهانی نیز می‌باشد. (ویور و ماچلا، ۲۰۱۴) علی دینی ترکمانی استادیار مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی نیز حکمرانی جهانی را چنین تعریف می‌کند. نظام حکمرانی جهانی به مجموعه قواعد و حقوق بین‌الملل و نهادهای اقتصادی سیاسی و فرهنگی دلالت دارد که نظم امنیتی و اقتصادی جهان از طریق آن‌ها اعمال می‌شود. (ترکمانی، ۱۳۹۱)

۲-۳- بازیگران اصلی حکمرانی اقتصادی بین‌المللی

دولت: طبق تعاریفی که ارائه شد بازیگران متعددی در حوزه حکمرانی اقتصاد جهانی نقش آفرین هستند. در اغلب تعاریف دولت‌ها همچنان به عنوان یک عنصر غیرقابل انکار در تعاملات اقتصاد جهانی بشمار می‌روند. رئالیست‌های اقتصاد سیاسی جهانی، نظام بین‌الملل را آنارشی و فاقد اقتدار مرکزی می‌داند و در این فضا دولت‌ها مهم‌ترین بازیگران نظام بین‌المللی هستند (گیلپین، ۱۳۷۸، ص ۲۱). البته آنارشی به معنای هرج و مرج مداوم و جنگ در سیاست بین‌الملل نیست و دولت‌ها در این شرایط با یکدیگر همکاری می‌کنند و حتی در بسیاری از حوزه‌ها نهادهایی را برای همکاری تشکیل می‌دهند (وندز، ۱۹۹۲). نظام اقتصادی قدرتمند حداقل از دو جهت موجب اثرگذاری بیشتر یک کشور در عرصه جهانی می‌شود. از یک سو کشورهای فقیرتر را با هدف حل مشکلات اقتصادی به سمت خود جذب می‌کند. از سوی دیگر کشورهای قدرتمند می‌توانند با صرف منابع مالی بیشتر اهداف خود را در سطح جهانی و بین‌المللی دنبال کنند. این کشورها با تکیه بر

1. Manuela Moschella and Catherina Weaver

2. Wendt



منابع اقتصادی خود سازمان‌های بین‌المللی و نیز گروه‌های فرامرزی را در راستای اهداف خود بکار می‌گیرند.

سازمان‌های رسمی اقتصاد جهانی: علاوه بر دولت‌ها سازمان‌های رسمی اقتصاد جهانی نیز به‌عنوان بازیگران مؤثر این میدان شناخته می‌شوند. پس از جنگ جهانی دوم در اجلاس برتن وودز قدرت‌های بزرگ بر سر یک چارچوب نهادی دائمی توافق کردند. صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و اندکی بعدتر گات نهادی دائمی برای تنظیم روابط اقتصادی در حوزه مسائل ارزی، تسویه و غرامت‌های بازسازی و تجارت جهانی بشمار می‌روند. گات بعدها در ۱۹۹۵ تبدیل به سازمان تجارت جهانی شد. این سه سازمان (که از آن‌ها سازمان‌های کلیدی جهانی نیز یاد می‌کند) نقش مرکزی در روابط بین‌المللی مالی، تجاری و پولی دارند (جاکوبسان و اوکس^۱، ۱۹۹۰). بر اساس معیارهای اقتصادی لیبرال، سازمان‌های رسمی اقتصاد جهانی در بین سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰ کاملاً در پیشبرد آزادسازی، رشد و ثبات اقتصادی موفق بوده‌اند. البته در اثربخشی این سازمان‌ها عواملی چند دخیل بوده‌اند. اول آن که جنگ سرد انگیزه ایالات متحده را برای همکاری اقتصادی با اروپای غربی و ژاپن افزایش داد؛ بهبود مجدد اقتصادی به‌عنوان یک شرط لازم برای قوی کردن سیستم متحدان ضد شوروی مدنظر گرفته می‌شد. دوم آن که ایالات متحده هم‌توان آن را داشت و هم مایل بود که هژمونی خود را در راهبری روابط تجاری، مالی و پولی بعد از جنگ با اعمال اصول و قواعدی به اجرا بگذارد. سوم آن که تعداد کمی از کشورهای هم‌فکر از نظر سیاسی و اقتصادی که رهبری ایالات را قبول کرده بودند در توسعه سیستم اقتصادی دوران بعد از جنگ نقش داشتند؛ و بالاخره در نتیجه طراحی نهاد‌های بین‌المللی بعد از جنگ، دولت‌ها می‌توانستند اهداف سیاسی داخلی مانند اشتغال کامل را پیگیری کنند و در عین حال به قوانین و الزامات بین‌المللی پای بند بمانند (اینچنگرین^۲، ۱۹۹۴).

شرکتهای چندملیتی: برخی از نظریه‌پردازان شرکت‌های چندملیتی را نیز به جمع این بازیگران افزوده‌اند. اهمیت نفوذ شرکت‌های چندملیتی یک از ویژگی‌های کلیدی جهانی شدن اقتصاد جهان است (استری^۳، ۱۹۹۷). برخی معتقدند این شرکت‌ها از اقتصاد کشور خود گسسته‌اند و به یک نیروی مستقل قدرتمند در تعیین امور اقتصادی و سیاسی در عرصه بین‌الملل تبدیل شده‌اند.

سازمان‌های منطقه‌ای: افزون بر این سه عنصر اصلی دو عنصر دیگر نیز (گرچه با تأکید

1. Jacobson and Oks
2. Einchengren
3. Ostry



کومتر) در برخی دیدگاه‌ها مطرح هستند. سازمان‌های منطقه‌ای، تخصصی و یا غیررسمی اقتصادی جهان یکی از این عناصر هستند. این سازمان‌ها علاوه بر این که پل عبور از ناسیونالیسم به سمت جهانی شدن برای بسیاری از کشورها به ویژه کشورهای در حال توسعه هستند، نقش تنظیم کننده و تعیین کننده روابط اقتصادی بلوک‌های مختلف جهان را نیز به عهده دارند. این گونه سازمان‌ها غالباً با توافق و اتحاد چند کشور پیرامون یک مسئله خاص منطقه‌ای و جهانی تشکیل می‌شوند و از طریق اقدامات رسمی و علنی همراه با اقدامات غیرعلنی و مخفیانه منافع کشورهای متحد را در مسئله مذکور دنبال و تأمین می‌کنند (رنجبر و همکاران، ۱۳۹۱).

مردم و سازمانهای مردم نهاد: آخرین بازیگری که باید به این مجموعه افزود مردم و سازمانهای مردم نهاد هستند. سهم بخش غیردولتی در اقتصادهای جهانی در حال افزایش است و بسیاری از سازمان‌های مردم نهاد در جهت تکمیل نواقص رفتار دولت‌ها عمل می‌کنند. امروزه فعالیت‌های مردمی بخش قابل توجهی از موارد شکست بازار و قصور دولت‌ها پوشش می‌دهد. دبیر کل سازمان در اجلاس سالانه سازمان‌های مردم نهاد در سال ۲۰۰۰ سازمان‌های مردم نهاد را بهترین دفاع در مقابل بی‌توجهی‌ها، شجاع‌ترین مبارزان در راه صداقت و سرسخت‌ترین تلاشگران در راه تغییر و تحول معرفی می‌کند و نتیجه می‌گیرد که دولت‌ها خود را برای پذیرش این نهاد جدید باید آماده کنند (گزارش نهایی اجلاس توسعه هزاره، ۲۰۰۰).

سازمان ملل با برنامه «پیمان جهانی»^۱ کوفی عنان، زمینه را برای مشارکت ملی و فراملی سازمان‌های مردم نهاد و شرکت‌های چندملیتی فراهم کرد و از آن‌ها خواست تا در برنامه‌های توسعه‌ای سازمان ملل سهیم شده و با کمک فنی و مالی، این سازمان را در رسیدن به اهدافش یاری دهند. کنوانسیون اروپا در سال ۱۹۸۶ طی یک معاهده بین‌المللی جایگاه حقوقی سازمان‌های مردم نهاد را در سطح بین‌الملل را به رسمیت شناخت.

۲-۴- پیشینه پژوهش

با توجه به تعدد مقالات در این حوزه به اختصار تنها برخی از موارد مطرح در این حوزه در جدول زیر ارائه شده است:



جدول ۱- پیشینه پژوهش

نویسندگان (سال)	اهداف و یا سؤالات اصلی	روش استفاده شده	مهم ترین یافته ها
حافظ نیا و همکاران (۱۳۸۵)	نویسندگان با ارائه مدلی چندوجهی از ابعاد قدرت ملی که شامل نه عامل اقتصادی، سیاسی، نظامی، فضایی، فرامرزی، سرزمینی، اجتماعی، علمی، فناوری و فرهنگی و با پردازش ۸۷ شاخص متناسب با متغیرهای فوق به شناسایی قدرت های جهانی پرداخته است.	تحلیل آماری و جمع آوری اطلاعات به روش دلفی	در مرحله نهایی شاخص های استاندارد شده جمع بندی می شود و میزان امتیاز به دست آمده برای هر کشور قدرت آن کشور را مشخص می کند.
عباسی و کیانی (۱۳۹۱)	این مقاله با رویکردی حقوقی به موضوع حکمرانی جهانی پرداخته است. نویسندگان این مقاله به پیمان نامه های بین المللی خصوصاً معاهدات، قطع نامه ها و منشور سازمان ملل متحد توجه دارند.	توصیفی تحلیلی	نویسندگان این مقاله معتقدند با شکل گرفتن جامعه جهانی، حکومتی جهانی نیز به صورت جنین و غیرمنسجم در حال ظهور است که بالطبع به ایجاد و گسترش نظام حقوقی مطلوب خود می پردازد.
ترکمانی (۱۳۹۱)	این مقاله دو شاخص NPI و مدل حافظ نیا را برای ارزیابی نظام اقتصاد بین الملل مورد بررسی قرار می دهد و چشم انداز نظام های مالی، تجاری و صنعتی جهانی را مورد بررسی قرار می دهد.	تحلیلی و توصیفی	نویسنده معتقد است جابجایی در قدرت به علاوه بحران بزرگ مالی در سال ۲۰۰۸ موجب تحولاتی مهم در اقتصاد بین الملل از جمله نظام تسویه حساب های بین المللی و جایگزینی ذخیره جهانی جدیدی به جای دلار و همین طور تغییر نظام حکمرانی جهانی خواهد شد.
زرقانی (۱۳۹۱)	سنجش قدرت ملی کشورهای اسلامی بر اساس معیار ترکیبی مدل سنجش قدرت ملی مبتنی بر ۹ متغیر اقتصادی، سیاسی، نظامی، فضایی، سرزمینی، فرامرزی، اجتماعی، علمی، فناوری و فرهنگی و با بررسی ۸۷ شاخص متناسب با این عوامل	دلفی	این مقاله کشورهای مورد بررسی را به سه سطح از قدرت تقسیم نموده و اختلاف کشورهای جهان اسلام در شاخص های مذکور را تبیین نموده است.
دهشیری (۱۳۹۳)	هسته مرکزی این مقاله در برشمردن بازیگران جدید و توجه به ساختار چندوجهی حکمرانی جهانی است. همچنین در این مقاله به فرآیند افقی و از بالا به پایین تصمیم گیری های جهانی نیز تبیین شده است.	تحلیلی و کیفی	این مقاله که از دیدگاه سیاسی به موضوع حکمرانی جهانی پرداخته در پایان ضمن معرفی نظام شبکه ای تصمیم گیری جهانی بازیگران جدید این عرصه را و فرآیند تصمیم گیری را معرفی می کند.



نویسندگان (سال)	اهداف و یا سوالات اصلی	روش استفاده شده	مهم‌ترین یافته‌ها
فاخری (۱۳۹۳)	نویسنده در این مقاله به دنبال تعریف بازیگران مختلف حکمرانی اقتصادی جهانی است.	تحلیلی و کیفی	در کنار دولت‌ها به‌عنوان مهم‌ترین نهادها و سازمان‌هایی ظاهر شده‌اند که نظام بین‌الملل را تحت تأثیر قرار می‌دهند. فاخری به دولت‌ها توصیه می‌کند که در راستای منافع ملی‌شان مناسبات خود را با دیگر بازیگران جهانی‌شان تنظیم کنند.
رنجبر و همکاران (۱۳۹۱)	این مقاله ضمن بررسی سیر تاریخی مفهوم و مدل حکمرانی جهانی قائل به شکل‌گیری مدلی چندوجهی از حکمرانی جهانی است. حکمرانی جهانی فعلی مشارکت کنترل‌شده است	تحلیلی و توصیفی	سه حوزه قدرت به‌عنوان عوامل ایجادکننده حکمرانی بین‌المللی عبارت‌اند از قدرت اقتصادی، قدرت سیاسی و نظامی، و قدرت ایدئولوژیک. سه دسته ابزار کلی شامل سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی، رسانه‌های ارتباط جمعی و متغیرهای ژئوپلیتیک برای اعمال حکمرانی
دنی رودیک ^۱ (۲۰۰۱)	نویسنده مقاله معتقد است هدف نهایی سازمان تجارت جهانی بالا بردن استانداردهای زندگی و افزایش سطح تجارت جهانی در تمامی جهان است.	توصیفی تحلیلی	نویسنده معتقد است کشورهای درحال توسعه زمانی که با نابرابری‌های تجاری مانند (نظام تعرفه‌ای صنعتی، کشاورزی و مالیاتی) مواجه می‌شوند کمترین تغییر را در رفتار خود ایجاد می‌کنند.
انجایر وودز ^۲ (۲۰۱۳)	نویسنده معتقد است که بی‌ثبات بازارهای مالی یکی از مهم‌ترین شکست‌های نظام حکمرانی اقتصادی حاکم است. این مقاله معتقد است نهادهای جهانی موجود خصوصاً هیئت ثبات مالی (FSB) ^۳ باید تجدید ساختار و تقویت شوند تا از بروز بحران‌های مالی جلوگیری کنند.	توصیفی تحلیلی	وودز در پایان مقاله مدل نوین خود را برای تجدید ساختار حکمرانی اقتصادی جهانی برای نقش‌آفرینی مؤثر بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و هیئت ثبات مالی چنین بر می‌شمارد.
ماچلا مانوئل و ویرکاترینا ^۴ (۲۰۱۴)	این کتاب به نهادهای بین‌المللی از جمله سازمان تجارت جهانی، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول پرداخته و نقش آن‌ها را در حل مسائل اقتصاد جهانی بررسی کرده است.	توصیفی	گردآورندگان کتاب معتقدند بازیگران اصلی در حوزه حکمرانی اقتصاد جهانی شامل کشورها، بنگاه‌ها، نهادهای رسمی و گروه‌های سازمان‌یافته و سازمان‌های مردم‌نهاد هستند.

1. Dani Rodrik
2. Ngaire Woods
3. Financial Stability Board
4. Manuela Moschella and Catherina Weaver



نویسندگان (سال)	اهداف و یا سؤالات اصلی	روش استفاده شده	مهم ترین یافته‌ها
سازمان امنیت ملی آمریکا (۲۰۱۰)	پیش بینی آینده حکمرانی اقتصادی جهانی با توجه به تهدیدات موجود	توصیفی	ارائه چهار سناریو: ۱. ننگ داشتن شرایط موجود به شکل شناور ۲. چند پارگی جامعه جهانی و ظهور قدرت‌های منطقه‌ای ۳. عبور از تجربه اتحادیه اروپا و تشکیل جامعه جهانی ۴. تعارض بازیکنان در همکاری و شکست فرآیند جهانی شدن
سازمان ملل متحد (۲۰۱۵)	سنجش شاخص قدرت ملی با چهار شاخص: متغیر تولید ناخالص ملی کشورها، هزینه‌های دفاعی، جمعیت و تکنولوژی	روش تعدیلی و وزن دهی	سنجش بلوک‌های کشورهای مختلف مشخص کردن سهم کشورها در مدیریت اقتصادی جهانی
بانک جهانی (۲۰۰۵)	ارزیابی حکمرانی اقتصادی کشورها با شاخص‌های زیر: ۱- پاسخگویی و شفافیت ۲- بی‌ثباتی سیاسی و خشونت ۳- اثرگذاری یا کارآمدی دولت‌ها ۴- کیفیت نظارتی ۵- نقش قانون در تصمیم‌گیری‌ها ۶- کنترل بحران‌ها	روش تحلیلی توصیفی	تغییر کیفیت حکمرانی در طول زمان غیرقابل پیش بینی بودن آینده حکمرانی اقتصادی جهانی رابطه مثبت بین درآمد و حکمرانی

پژوهش حاضر نسبت به مطالعات انجام شده، از دو جنبه حائز نوآوری است. نوآوری اول این پژوهش در چینش و سنجش مؤلفه‌های حکمرانی اقتصادی جهانی در یک مدل واحد است. نوآوری دوم این پژوهش ارائه یک مدل کمی جهت برآورد شاخصی از مشارکت در حکمرانی اقتصاد جهانی است. در تحقیقاتی که انجام شده است تاکنون مدلی کمی برای این امر ارائه نشده است. در حالی که این مدل با کسب نظر خبرگان تلاش می‌کند متغیر مفهومی و کیفی حکمرانی اقتصاد جهانی را سنجش پذیر و کمی نماید.

۳- روش‌شناسی تحقیق

روش کلی تحقیق، توصیفی- تحلیلی با استفاده از مدل‌های تصمیم‌گیری چندمتغیره (MCDM) و فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) در فضای فازی (توام با عدم اطمینان) است. در این تحقیق دو گروه جامعه آماری مدنظر می‌باشد. گروه اول نخبگان و متخصصین در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و استراتژیک هستند که برای تعیین ضرایب اهمیت هر مؤلفه پاسخگوی جداول و ماتریس‌های ضریب اهمیت هستند. گروه دیگر جامعه آماری



در این تحقیق، کشورهای منطقه غرب آسیا هستند که برای سنجش و مقایسه وضعیت کشور با این جامعه نمونه مورد سنجش و پایش قرار می‌گیرند. شاخص‌ها و مؤلفه‌های شناسایی شده بر اساس مطالعات نظری در این کشورها محاسبه شده و در نهایت رتبه هر کشور نیز مشخص شد. مدل اصلی این تحقیق به شرح زیر است:

$$GEG = \alpha_1 NEPI + \alpha_2 MNCI + \alpha_3 GOII + \alpha_4 GNOII + \alpha_5 NGOI$$

α_i = ضرایب بردارهای ویژه که خبرگان به روش تحلیل سلسله مراتبی با مقایسه دوبه‌دو متغیرهای اصلی تعیین می‌کنند.

GEG = شاخص حکمرانی اقتصاد جهانی

NEPI = بردار ویژه معرف قدرت اقتصادی کشورها که شامل متغیرهایی چون نسبت تولید ناخالص ملی کشور به کل تولید ناخالص منطقه، سهم کشورها در تجارت جهانی، سهم کشورها در دسترسی به منابع انرژی و سهم کشورها در جذب سرمایه گذاری خارجی
MNCI = بردار ویژه معرف شرکت‌های چندملیتی در تولید ناخالص ملی کشورها و نیز سهم کشورها در سهام شرکت‌های چندملیتی

GOII = بردار ویژه معرف سهم کشورها در مدیریت اقتصاد جهانی از طریق سهم در نهادهای مؤثر اقتصاد جهانی از جمله بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی

GNOII = بردار ویژه معرف سهم کشورها در مدیریت اقتصاد جهانی از طریق حضور در نهادهای منطقه‌ای و غیررسمی اقتصاد جهانی

NGOI = بردار ویژه معرف سهم سازمان‌های غیردولتی در اقتصاد کشورها و نیز بر خور داری از سازمان‌های غیردولتی در سطح جهانی

گردآوری آمارها: پس از آنکه خبرگان وزن معیارها را مشخص کردند می‌بایست متناسب با هر معیار مقادیر آن مشخص شود. به عبارت دیگر از آنجاکه معیارها می‌بایست برای کشورهای غرب آسیا مورد بررسی قرار گیرد، در این مرحله مقادیر هر معیار برای کشورهای مورد بررسی مشخص می‌شود. این کار به یکی از روش‌های زیر انجام شد:

الف: مدل‌های موجود برای محاسبه قدرت ملی کشورها، یا حکمرانی منطقه‌ای و جهانی
ب: مراجعه به بانک‌های اطلاعاتی نهادهای و مؤسسات بین‌المللی نظیر سازمان ملل، سازمان تجارت جهانی، بانک جهانی و ...

ج: مراجعه به پایگاه‌های اینترنتی مرتبط به سنجش حکمرانی و مدیریت جهانی
د: استفاده از نظرات کارشناسان و صاحب‌نظران از طریق مصاحبه یا پرسش‌نامه



۳-۱- پالایش متغیرها

یکی از مهم‌ترین اقداماتی که باید انجام شود پالایش متغیرهای مورد بررسی است. با توجه به هدف اصلی این تحقیق، یعنی طراحی مدل سنجش مشارکت در حکمرانی جهانی کشورهای جهان، متغیرهای گردآوری شده بر اساس سه معیار زیر مورد ارزیابی و پالایش قرار می‌گیرند:

- وجود داده‌های استاندارد با حداکثر شمول در بین کشورهای مورد بررسی
- کمیت پذیر بودن متغیرها یا قابلیت تبدیل آن‌ها به مقادیر کمی
- قابل دسترس بودن متغیرها

استانداردسازی متغیرها: برای اینکه بتوان از ترکیب شاخص‌های فوق که واحدهای متفاوت دارند به یک شاخص واحد رسید و هم برای اینکه شاخص ترکیبی به دست آمده این قابلیت را داشته باشد که بتواند کشورهای مختلف را رتبه‌بندی نماید، ابتدا هر یک از سه شاخص فوق با استفاده از فرمول شاخص پایه بر حسب درصد که مقدار آن بین صفر و یک می‌باشد، تبدیل می‌شوند.

در این روش هر شاخص به روش زیر استانداردسازی می‌شود:

$$\bar{X} = \frac{X_i - X_{\min}}{X_{\max} - X_{\min}}$$

X_i = مقدار متغیر برای کشور i ام

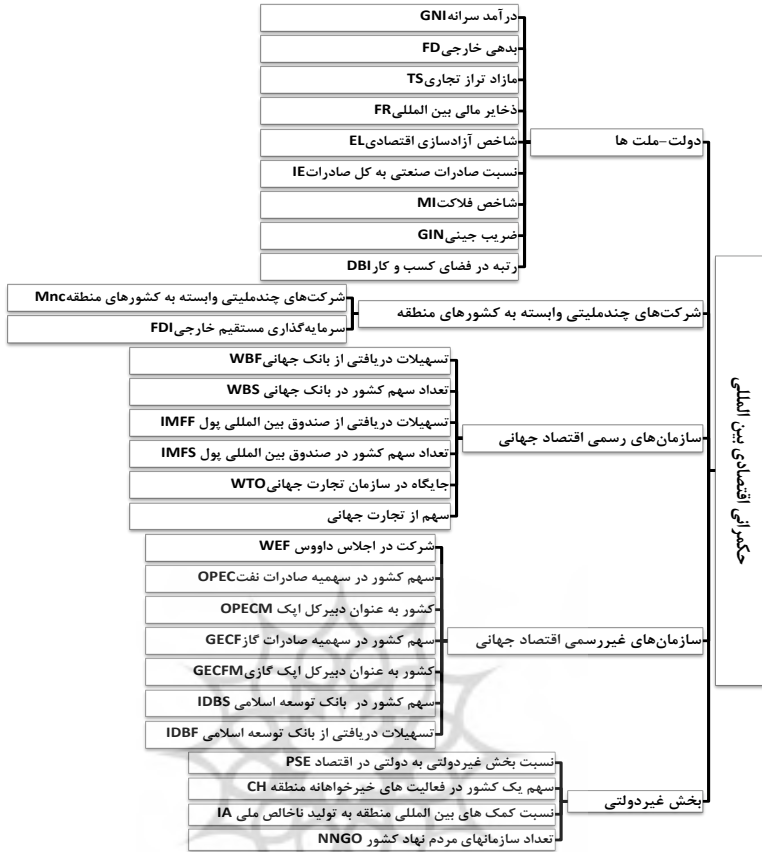
X_{\max} = بیشترین مقدار متغیر در میان کشورهای غرب آسیا

X_{\min} = کمترین مقدار متغیر در میان کشورهای غرب آسیا

الگوی مورد استفاده در این تحقیق در یک نگاه کلی در شکل ۱ ارائه شده است. برای تعیین اولویت معیارهای اصلی از فن فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی فازی (FAHP) استفاده شده است. روند تحلیل به صورت زیر است:

- مقایسه زوجی معیارهای اصلی بر اساس هدف و تعیین وزن معیارهای اصلی
 - مقایسه زوجی زیرمعیارهای هر معیار و تعیین وزن زیرمعیارهای هر خوشه
 - ضرب وزن زیرمعیارها در وزن معیار مربوط و تعیین وزن نهایی زیرمعیارها
- برای مقایسه زوجی عناصر از مقیاس نه درجه ساعتی^۱ استفاده شده است. همچنین در این مطالعه برای کمی کردن مقادیر از رویکرد فازی استفاده شده است؛ بنابراین طیف فازی ساعتی مورد استفاده قرار گرفته است.





شکل ۱- نمای کلی مدل پژوهش (منبع: خورشید و ذبیحی، ۱۳۸۹، ص ۴۱؛ لی و همکاران، ۲۰۰۸، ص ۱۰۱)

جدول ۲- طیف فازی معادل مقیاس نه درجه ساعتی در تکنیک AHP

عبارت کلامی وضعیت مقایسه i نسبت به j	معادل فازی	معادل فازی معکوس
ترجیح یکسان (Equally Preferred)	(1, 1, 1)	(1, 1, 1)
بینابین	(3, 2, 1)	(1/3, 1/2, 1)
کمی مر جح (moderately Preferred)	(4, 3, 2)	(1/4, 1/3, 1/2)
بینابین	(5, 4, 3)	(1/4, 1/3, 1/2)
خیلی مر جح (Strongly Preferred)	(6, 5, 4)	(1/6, 1/5, 1/4)
بینابین	(7, 6, 5)	(1/7, 1/6, 1/5)
خیلی زیاد مر جح (very strongly Preferred)	(8, 7, 6)	(1/8, 1/7, 1/6)
بینابین	(9, 8, 7)	(1/9, 1/8, 1/7)
کاملاً مر جح (Extremely Preferred)	(9, 9, 9)	(1/9, 1/9, 1/9)



نتایج محاسبه انجام شده و اوزان مربوط به شاخصهای در جدول زیر آمده است:
جدول ۳- وزن های محاسبه شده شاخص ها

رتبه	وزن نهایی	زیر معیارها	وزن	معیارها
۳	۰,۰۶۶	درآمد سرانه	۰,۳۳	قدرت اقتصاد ملی
۱۳	۰,۰۳۰	بدهی خارجی		
۶	۰,۰۴۸	مازاد تراز تجاری		
۵	۰,۰۵۲	ذخایر مالی بین المللی		
۱۱	۰,۰۳۱	شاخص آزادسازی اقتصادی		
۱۰	۰,۰۳۳	نسبت صادرات صنعتی به کل صادرات		
۱۲	۰,۰۳۱	نرخ بیکاری		
۲۰	۰,۰۱۷	ضریب جینی		
۱۵	۰,۰۲۷	رتبه در فضای کسب و کار		
۲	۰,۰۷۲	شرکت های چندملیتی وابسته به کشورهای منطقه	۰,۲۶	شرکت های چندملیتی
۱	۰,۱۷۴	سرمایه گذاری مستقیم خارجی		
۱۶	۰,۰۲۱۶۹	تسهیلات دریافتی از بانک جهانی	۰,۲۰	سازمان های رسمی اقتصاد جهانی
۸	۰,۰۳۷۶۴	تعداد سهم کشور در بانک جهانی		
۱۹	۰,۰۱۹۱۴	تسهیلات دریافتی از صندوق بین المللی پول		
۸	۰,۰۳۷۶۴	تعداد سهم کشور در صندوق بین المللی پول		
۱۴	۰,۰۲۷۴۴	جایگاه در سازمان تجارت جهانی		
۴	۰,۰۵۹۳۴	سهم از تجارت جهانی	۰,۱۳	سازمان های غیر رسمی اقتصاد جهانی
۲۳	۰,۰۱۴	شرکت و ایراد سخترانی در WEF		
۲۵	۰,۰۱۳	سهم کشور در سهمیه صادرات نفت		
۱۷	۰,۰۲۱	کشور به عنوان دبیر کل اپک		
۱۸	۰,۰۱۹	سهم کشور در سهمیه صادرات گاز		
۲۱	۰,۰۱۵	کشور به عنوان دبیر کل اپک گازی		
۲۲	۰,۰۱۴	سهم کشور در بانک توسعه اسلامی		
۲۶	۰,۰۱۳	تسهیلات دریافتی از بانک توسعه اسلامی		
۷	۰,۰۴۰	نسبت بخش غیردولتی به دولتی در اقتصاد	۰,۰۷	جنبه بخش غیردولتی
۲۴	۰,۰۱۳	سهم یک کشور در فعالیت های خیرخواهانه منطقه		
۲۸	۰,۰۱۱	نسبت کمک های بین المللی منطقه به تولید ناخالص ملی		
۲۷	۰,۰۱۳	تعداد سازمان های مردم نهاد کشور		



۴- یافته‌های تحقیق

۴-۱- یافته‌های توصیفی

مهم‌ترین هدف این پژوهش، رتبه‌بندی کشورهای منطقه غرب آسیا بر اساس جایگاه آن‌ها در حکمرانی اقتصادی بین‌المللی است. اینک پس از به دست آوردن وضعیت هر کشور بر اساس معیارهای موجود، می‌توان رتبه‌بندی نهایی را به انجام رسانید. پیش‌تر توضیح داده شد، که رتبه نهایی هر کشور بر اساس حاصل جمع مقادیر معیارهای پنج‌گانه، به دست می‌آید. در جدول زیر، امتیازات هر کشور و جمع کل و رتبه هر کشور ارائه شده است.

جدول ۴- رتبه‌بندی کشورهای منطقه غرب آسیا بر اساس سهم در حکمرانی اقتصادی بین‌المللی

رتبه کشور	جمع کل امتیاز	نقش مردم	نهادهای غیررسمی	نهادهای رسمی	شرکت‌های چندملیتی	قدرت اقتصادی	نام کشور
۱	۰,۵۱	۰,۰۲	۰,۰۸	۰,۱۹	۰,۰۳	۰,۱۹	عربستان
۲	۰,۴۱	۰,۰۳	۰,۰۵	۰,۱۲	۰,۰۴	۰,۱۸	امارت متحده عربی
۳	۰,۳۷	۰,۰۲	۰,۰۵	۰,۰۶	۰,۰۳	۰,۲۱	قطر
۴	۰,۳۶	۰,۰۳	۰,۰۲	۰,۱۱	۰,۰۵	۰,۱۵	ترکیه
۵	۰,۳۵	۰,۰۳	۰,۰۱	۰,۰۷	۰,۰۳	۰,۲۰	رژیم غاصب صهیونیستی
۶	۰,۳۳	۰,۰۲	۰,۰۶	۰,۰۹	۰,۰۰	۰,۱۷	کویت
۷	۰,۲۸	۰,۰۴	۰,۰۲	۰,۱۰	۰,۰۲	۰,۱۱	مصر
۸	۰,۲۵	۰,۰۶	۰,۰۵	۰,۰۴	۰,۰۱	۰,۰۹	ایران
۹	۰,۲۴	۰,۰۳	۰,۰۱	۰,۰۸	۰,۰۱	۰,۱۲	اردن
۱۰	۰,۲۲	۰,۰۲	۰,۰۰	۰,۰۶	۰,۰۰	۰,۱۳	بحرین
۱۱	۰,۲۱	۰,۰۲	۰,۰۳	۰,۰۵	۰,۰۲	۰,۰۹	عراق
۱۲	۰,۲۰	۰,۰۴	۰,۰۰	۰,۰۶	۰,۰۱	۰,۰۹	لبنان
۱۳	۰,۱۸	۰,۰۱	۰,۰۱	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۱۶	عمان
۱۴	۰,۱۵	۰,۰۳	۰,۰۰	۰,۰۴	۰,۰۰	۰,۰۸	یمن
۱۵	۰,۰۷	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۶	سوریه

نمودار ۲ نیز رتبه‌بندی کشورهای منطقه غرب آسیا را نشان می‌دهد. بر مبنای محاسبات انجام‌شده کشورهای عربستان سعودی، امارات متحده عربی، قطر، ترکیه و چهار کشور اول منطقه هستند که بالاترین نقش را در مدیریت جریان‌های اقتصادی منطقه ایفا می‌کنند. جمهوری اسلامی ایران نیز رتبه هشتم را کسب کرده که کاملاً



در میانه جدول قرار گرفته است.

۴-۲- یافته‌های تحلیلی

نتایج به دست آمده از تحقیق نشان می‌دهد که هیچ‌یک از کشورهای منطقه قدرت بلامنازع اقتصادی نیست و حکمرانی اقتصادی منطقه، کاملاً مشارکتی است. به عبارت دیگر سهم هیچ‌یک از کشورها به گونه‌ای نیست که امکان رهبری مطلق جریان‌های اقتصادی منطقه را به دست گیرد.

بر اساس امتیازات کسب شده عربستان سعودی بازیگر اول منطقه در حوزه اقتصاد است. این نتیجه به مشاهدات واقعی نیز تطابق دارد. به عنوان نمونه اقدام عربستان در کاهش قیمت نفت در سال‌های اخیر توانست شرایط اقتصادی کشورهای منطقه را تحت تأثیر قرار دهد و حتی مخالفین این سیاست نیز نتوانستند در مقابل آن اقدام کنند. بر اساس یافته‌های این پژوهش امارات متحده عربی دومین بازیگر اقتصادی منطقه است. جذب بسیار زیاد سرمایه‌گذاری خارجی، حضور گسترده و معنادار شرکت‌های تجاری و نهادهای پولی بزرگ در منطقه دومی یافته‌های این تحقیق را تأیید می‌کند. رتبه‌های چهارم و پنجم کشور ترکیه و رژیم غاصب صهیونیستی نیز منطقی به نظر می‌رسد چرا که این دو علیرغم نزدیکی جغرافیایی به منطقه غرب آسیا ولی عملاً در تعاملات اقتصادی، وابستگی بیشتری به اروپا دارند لذا نقش آفرینی کمتری در منطقه غرب آسیا دارند. شباهت ساختار اقتصادی دو کشور مصر و ایران نیز باعث شد که این دو رتبه‌های نزدیک به یکدیگر به خود گیرند. توجه این دو کشور به سیاست جایگزینی واردات در سال‌های گذشته سرنوشت یکسانی را برای آن‌ها در منطقه رقم زده است. کشور عراق نیز با وجود داشتن ظرفیت‌های قابل توجه در حوزه اقتصاد اما به واسطه جنگ‌های متعدد در سال‌های گذشته و ناامنی در این منطقه نتوانسته جایگاهی بهتر از یازدهم را کسب کند. کشورهای سوریه و یمن نیز که در سال‌های اخیر با جنگی تمام‌عیار مواجه‌اند در این پژوهش آخرین بازیگران مدیریت اقتصادی در منطقه هستند.

۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

۵-۱- نتیجه‌گیری

اجرای مدل حکمرانی اقتصادی بین‌المللی دو دستاورد مهم را به همراه داشته است. در بعد نظری این پژوهش نشان داد که مهمترین عوامل تأثیرگذار عبارتند از:

۱- نقش اول دولت/ملت‌ها: علیرغم حضور بازیگران جدید در حکمرانی اقتصادی بین‌المللی، اما دولت/ملت‌ها همچنان مهم‌ترین بازیگران به شمار می‌روند. گذر



زمان قدرت تأثیرگذاری این بازیگر را کاهش داده است اما هنوز نقش اول را در سناریوی حکمرانی اقتصادی، دولت/ملت‌ها دارند. اصلاح نظام اقتصادی با هدف تسهیل فعالیت‌های اقتصادی در داخل کشورها می‌تواند اثر مناسبی بر حکمرانی اقتصادی بین‌المللی داشته باشد.

۲- درک شرایط و اتخاذ سیاست‌های مناسب: در مدیریت اقتصادی گسترده‌گی جغرافیایی و یا حتی زیاد بودن تولید ناخالص ملی اثرگذاری چندانی ندارد بلکه درک شرایط اقتصاد بین‌الملل و اتخاذ سیاست‌های مناسب در مواجهه با جریانات بین‌المللی اقتصادی مهم است.

۳- جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی: براساس نظر خبرگان جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بیشترین اهمیت را در معیارهای مورد بررسی داشت.

۴- سهم در تجارت جهانی: از نظر نخبگان سهم کشورها در تجارت جهانی چهارمین معیار مهم در حکمرانی اقتصادی بین‌المللی است.

در سطحی دیگر این پژوهش با رتبه‌بندی کشورهای منطقه غرب آسیا براساس سهم در مدیریت اقتصادی منطقه به نتایج قابل توجهی رسیده است.

۱. رتبه‌بندی کشورهای منطقه در موضوع حکمرانی اقتصادی بین‌المللی، نشان می‌دهد که نفت هنوز عنصر تأثیرگذار در اقتصاد غرب آسیا است. بزرگ‌ترین صادرکنندگان نفت بالاترین رتبه‌های حکمرانی اقتصادی را کسب کرده‌اند. این امر نشان می‌دهد که علیرغم همه ادعاها مبنی بر کاهش نقش نفت در جهان به واسطه انرژی‌های نو یا نفت‌های جایگزین، منطقه غرب آسیا هنوز مسئول تأمین انرژی اقتصاد جهانی است. البته جایگاه ترکیه و رژیم غاصب صهیونیستی در این رتبه‌بندی نشان می‌دهند که صرف داشتن منابع نفتی برای ارتقا جایگاه کفایت نمی‌کند. نگاهی به پنج کشور اول رتبه‌بندی نشان می‌دهد که نفت در کنار سیاست‌های اقتصادی شفاف و کارآمد توانسته است امکان رهبری اقتصادی را در منطقه برای کشورها فراهم آورد. ایران با داشتن بیشترین ذخایر نفت و گاز جهان می‌تواند جایگاه خود را حکمرانی اقتصادی منطقه ارتقا دهد.

۲. پنج کشور اول در رتبه‌بندی نهایی، پنج کشور اول در جذب سرمایه‌گذاری خارجی در منطقه نیز هستند. این امر رابطه دوسویه سرمایه‌گذاری خارجی و حکمرانی اقتصادی بین‌المللی را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر هرچه کشوری جایگاه بهتری در حکمرانی اقتصادی بین‌المللی داشته باشد توان جذب سرمایه‌گذاری خارجی بالاتری دارد و هرچه سرمایه‌گذاری خارجی بیشتر باشد، جایگاه کشور در مدیریت اقتصاد بین‌الملل بهتر خواهد بود.



۳. کشورهای دارای بالاترین رتبه در حکمرانی اقتصادی بین‌المللی، بیشترین سهم را در تجارت جهانی دارند. این در حالی است که این کشورها الزاماً جمعیت‌های زیادی ندارند. به عبارت دیگر پیوستگی معناداری بین جمعیت و تجارت دیده نمی‌شود. در مقابل توجه به دو عنصر رقابت‌پذیری و صادرات محوری در تولیدات عامل اصلی در بهره‌مندی از ظرفیت تجارت خارجی است. گرچه تحریم‌های خارجی به‌ویژه در سال‌های اخیر عامل مهمی در کاهش تجارت خارجی کشورهایی مانند ایران یا عراق بوده است اما سیاست‌های غلط توسعه اقتصادی و انتخاب شرکای خارجی در تجارت در این کشورها غیرقابل چشم‌پوشی است.

۴. رتبه‌بندی کشورها به‌ویژه رتبه دوم کشور امارات نشان می‌دهد که تسهیل فضای کسب و کار در داخل یک کشور به نحو غیرقابل انکاری منجر به ارتقای جایگاه این کشور در حکمرانی بین‌المللی اقتصاد دارد. در مقابل جایگاه کشورهایی چون ایران و مصر نیز نشان می‌دهد که پیچیدگی‌های فعالیت‌های اقتصادی در داخل کشورها چگونه این کشورهای مهم را در عرصه اقتصاد بین‌الملل کم‌اثر کرده است.

۵. کشورهای کوچکی مانند قطر و امارات متحده عربی نشان دادند که با اتخاذ سیاست‌های درست و برنامه‌ریزی مناسب توانسته‌اند نقش مهمی در اقتصاد منطقه داشته باشند. جذب سرمایه‌گذاری خارجی، حضور شرکت‌های بزرگ بین‌المللی و تأسیس این‌گونه شرکت‌ها، حضور مؤثر در نهادهای اقتصادی جهانی و استفاده درست از ظرفیت پیمان‌های منطقه‌ای و نهادهای محلی مهم‌ترین اقدامات این کشورهای کوچک برای کسب جایگاه مؤثر در حکمرانی اقتصادی بین‌المللی است. اقداماتی که جمهوری اسلامی ایران علیرغم پتانسیل‌های اقتصادی فراوان نتوانسته از آن‌ها بهره‌گیرد.

۵-۳- پیشنهادها

با توجه به چشم‌انداز ۱۴۰۴ و بر اساس اصل تأمین منافع ملی، دستیابی به جایگاه اول در حکمرانی اقتصادی منطقه جز راهبردهای اصلی ایران به شمار می‌رود؛ اما یافته این پژوهش نشان می‌دهد که به دلایل مختلف کشور در حال حاضر امکان دستیابی به این هدف را ندارد. برای تحقق این هدف لازم است که:

۱- از آنجاکه هیچ‌یک از کشورها به‌تنهایی توان حکمرانی اقتصادی منطقه را ندارد، راهبرد بلوک‌بندی اقتصادی مهم‌ترین راهبردهای حکمرانی اقتصادی بشمار می‌رود. به‌عنوان نمونه کشورهای عربستان، امارات متحده عربی، قطر و ترکیه در بسیاری از تحولات سیاسی و اقتصادی منطقه در سال‌های اخیر همگرایی معناداری را نشان می‌دهند.



- ۲- زیرساخت‌های لازم در اقتصاد ایران از جمله بسترهای قانونی، اجرایی و حتی فرهنگی برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی و نیز افزایش جایگاه ایران در تجارت جهانی باید در اولویت کاری مسئولین کشور قرار داشته باشد.
- ۳- حضور مؤثر در نهادهای رسمی اقتصاد جهانی از جمله سازمان تجارت جهانی باید در دستور کار قرار گیرد. البته حفظ منافع کشور در این نهادها امری است روشن و غیرقابل خدشه.
- ۴- شاخص‌هایی چون آزادی اقتصادی و بهبود فضای کسب و کار از نگاه خبرگان بسیار مهم ارزیابی شده است. این امر نشان می‌دهد که در صورت اتخاذ تدابیر لازم و ارتقا جایگاه ایران در این شاخص‌ها، می‌توان شاهد رشد جایگاه کشور در مدیریت اقتصادی منطقه غرب آسیا بود.

۶- منابع

۶-۱- منابع فارسی

مقاله‌ها

۱. دینی ترکمانی، علی. (۱۳۹۱). چشم‌انداز نظام اقتصاد بین‌الملل: رویکرد آینده‌پژوهی. فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی. شماره ۶۱. صفحات ۱۹۳ تا ۲۱۶
۲. حافظ‌نیا محمد رضا و زررقانی سیدهدادی و احمدی پور زهرا و کن‌الدین افتخاری عبدالرضا. (۱۳۸۵). طراحی مدل سنجش قدرت ملی کشورها. فصلنامه ژئوپلیتیک. شماره دوم. صفحه ۴۶ تا ۷۳.
۳. خورشید، صدیقه، ذبیحی، رضا. (۱۳۸۹). یک مدل کمی ارزیابی ارزش ویژه نام و نشان تجاری محصولات با استفاده از تکنیک‌های تحلیل شبکه فازی - تحلیل پوششی داده‌ها بر مبنای کارت امتیازی متوازن، نشریه بین‌المللی مهندسی صنایع و مدیریت تولید، شماره ۱، جلد ۲۱
۴. دهشیری محمد رضا. (۱۳۹۳). جهانی‌شدن و نظام بین‌الملل. فصل‌نامه مطالعات راهبردی جهانی‌شدن. شماره یازدهم
۵. رنجبر همایون و دانی کریم‌زاده سعید و مروی علی (۱۳۹۱). حکمرانی جهانی: مؤلفه‌ها و ابزارها. فصل‌نامه مطالعات راهبردی جهانی‌شدن. شماره ششم
۶. زررقانی، سیدهدادی. (۱۳۹۱). سنجش قدرت ملی در جهان اسلام. فصل‌نامه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام. شماره دوم
۷. عباسی، مجید، کیانی، علی‌اکبر. (۱۳۹۱). حکمرانی جهانی و حقوق جهانی: گذار از حقوق



بین‌الملل دولت‌محور در عصر جهانی شدن. فصل‌نامه مطالعات راهبردی جهانی شدن. شماره ششم.

۸. فخری مهدی. (۱۳۹۳). بازیگران ملی و فراملی در روند جهانی شدن. فصل‌نامه مطالعات راهبردی جهانی شدن. شماره یازدهم

کتابها

۹. تئودور اچ کوهن. ۱۳۹۲. اقتصاد سیاسی جهانی. ترجمه عادل پیغامی و همکاران. تهران مرکز ملی مطالعات جهانی شدن

۱۰. حبیبی، آرش، ایزدیار، صدیقه، سرافرازی، اعظم. (۱۳۹۳)، تصمیم‌گیری چندمعیاره فازی، انتشارات کتیبه گیل

۱۱. رابرت گیلپین. ۱۳۸۷. اقتصاد سیاسی جهانی، درک نظم اقتصاد بین‌الملل. مترجم. مهدی میرمحمدی و همکاران. تهران. موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد

۶-۲- منابع لاتین

Articles

12. Alwaxander Wendt, 1992, **Anarchy is What State Make of it: The Social Construction of Power Politics**, International Politics, 46
13. Anne-Marie Slaughter, 2004. **A Read New World Order**. Princeton university Press
14. DaniRodrik. (2001). **THE GLOBAL GOVERNANCE OF TRADE**. Harvard university press
15. Denis Stairs, **Global Governance as a Policy Tool: The Canadian Experience**, In Riamo Vayrwen Globalozation and Global Governance, 1999.
16. **Final Report of the 53th Annual DPI/NGO conference**, New York U.N., 2008
17. **Global Governance 2025: At a Critical Juncture**
18. **Global governance and governance of the global commons in the global partnership for development beyond 2015**. UN system task team on the post 2015 UN Development Agenda. January 2013
19. Hedly Bull, 1977. **The Anarchical Society: A Study of Order in World Politics**, London, Macmilan
20. Lawrence S. Finkelstein, 1995, **What is Global governance?**, Global Governance 1
21. Michael Barnet & Raymond Davall, 2005. **Power in Global Governance**, Cambridge university Press.
22. Mihaly Simai, 1994, **the Future of global Governance Managing Risk and Change in the International System**, Washington D.C.
23. Ngaire Woods. (2013). **Global Economic Governance after the**



2008 Crisis. University of Oxford; the Global Economic Governance Programme.

24. Nowrot, kersten (2004). **Global Governance of International Law.** (report). Martin Luther University
25. Stephen D. Krasner, 1999, **Sovignty: Organized hypocrisy,** Princeton university press
26. Sylvia Ostry, 1997, **A New Regime for Foreign Direct Investment,** Washington D.C. Group of Thirty.
27. **The Commission on Global Governance, Our Global Neighbourhood,** Oxford: Oxford University Press, 1995, p. 4.
28. Thomas G Weiss & Leon Gordenker, 1996, **NGOS,** Th U-N and Global Governance Lynner Publishers Boulder, London
29. Thomas G. Weiss and Ramesh Thakur. (2010) **The UN and Global Governance: An Idea and Its Prospects,** Indiana University Press, forthcoming.

Books

30. Barry Einchengreen and Peter B. Kenen, 1994, **managing the WorldEconomy Under the Bretton Woods System: An Overview, In Oeter.** Kenen ed: Managing the World Economy: Fifty Years after Bretton Woods, Washington D.C. Institution for International Economics.
31. Daniel Kaufmann, Aart Kraay, and Massimo Mastruzzi. (2005). **Governance Matters IV: Governance Indicators for 1996-2004.** World Bank Policy Research Working Paper 3630
32. Harold Jacobson and Michel Oks, 1990, **China;s Participation in the IMF, the World Bank and GATT: Toward a global Economic Order,** University of Michigan Pres.
33. Lee Amy H.I; Wen-Chin Chen, Ching-Jan, Chang (2008), **A fuzzy AHP and BSC approach for evaluating performance of IT department in the manufacturing industry in Taiwan,** Expert Systems with Applications 34, pp. 96–107
34. Manuela Moschella and Catherina Weaver. (2014) **HAND BOOK OF GLOBAL ECONMIC GOVERNANCE.** United kingdom. Routledge
35. Richard N.Cooper. (1968) **The Economics of Interdependence; Economic Policy in The Atlantic Community.** New York Me Graw Hill.

Websites

36. www.iglo.org/GlobalGovenanceProgramam

